

انسجام و هدف‌مندی سوره‌های قرآن

حمیدرضا بصیری*

استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

مینا شریعتی**

کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۲۳، تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۹/۱۹)

چکیده

در تقسیمات قرآنی، «سوره» بیشترین اهمیت را دارد؛ زیرا خداوند تمام انسان‌ها را برای آوردن یک سوره به مبارزه دعوت کرده، ولی درباره‌ی حدی کمتر از سوره، ادعای عجز نشده است. تقسیم قرآن به سوره خاستگاه بشری ندارد، بلکه پیامبر (ص) مطابق اقراء خداوند و دستور فرشته‌ی وحی، نزول هر بسمله‌ای را آغاز فصلی جدید در وحی تلقی می‌کرد و معاصران نزول، مخصوصاً کاتبان وحی، با این امر آشنا بوده‌اند. این پرسش وجود دارد که سوره چه ویژگی دارد که خداوند برای تحدی با مخالفان، آوردن آن را مطالبه کرده است؟! چرا یک یا چند آیه می‌تواند کلام بشر باشد، ولی آوردن سوره، حتی اگر مانند سوره کوثر تنها سه آیه باشد، از توان بشر خارج است؟ آیا چنین آیات درون سوره‌ها حکیمانه و برای غرض خاصی است؟ اگر پاسخ به این سؤال مثبت است، حکمت قرار گرفتن مجموعه‌ای از آیات در ساختاری به نام سوره چیست؟ چرا تقسیم‌بندی کل آیات قرآن به ۱۱۴ سوره، موضوع محور و مطابق با اسلوب متداول کتب علمی نیست؟ به عنوان مثال، چرا ابتدا سوره‌های اعتقادی با موضوع توحید، نبوت، معاد و ... جدا از قصص و احکام و سایر موضوعات مطرح نگردیده است؟ این مقاله با روش توصیفی در صدد پاسخ به این سؤالات است. هر سوره مشتمل بر حکمتی الهی است که انسان را در مسیر کمال هدایت می‌کند. امکان ندارد سوره حکمتی داشته باشد، اما آیات آن در راستای تحقق آن حکمت نقشی ایفا نکنند. لذا سوره مجموعه‌ای هدفمند و منسجم است. خداوند با شناختی که از انسان، استعدادها و نیازهای وی دارد، برنامه‌ای کامل برای سعادت او ارائه داده است. لذا سخن او مخاطب‌محور و هدایتی است که بشر با علم محدودش نسبت به خویش و خدا و طریق رسیدن به او، هرگز توان آوردن چنین چیزی را ندارد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، سوره، هدف‌مندی، هماهنگی و انسجام، بیان هدایتی.

*E-mail: Basiri_br@yahoo.com

** E-mail: msbariati66@gmail.com

مقدمه

شناخت سوره و ویژگی‌های آن، نقش مهمی در نوع نگرش انسان به محتوای سوره‌ها و چگونگی بهره‌مندی از آن دارد. در آثار موجود در حوزه علوم قرآنی، تنها به شناخت شناسنامه‌ای سوره‌ها پرداخته شده است؛ یعنی سوره چند آیه دارد؟ در کجا نازل شده؟ آیات مشهور و کلیدی آن کدامند؟ قرائت سوره چه فضایی دارد؟ نهایت اینکه چه موضوع‌هایی در سوره محوریت دارند؟ در حالی که سوره دارای ویژگی‌هایی عام و فراگیر است و علی‌رغم وجود اشتراک موضوعی در بسیاری از سوره‌ها، سوره‌ها با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند.

برای به دست آوردن شناختی دقیق از سوره، باید ویژگی‌های مؤثر در شناخت سوره، مورد دقت و بررسی قرار بگیرد. برای شناخت ویژگی‌های سوره سه راه وجود دارد: ۱- بررسی آیاتی که در آن واژه سوره به کار رفته است. ۲- بررسی دلالت‌های عقل درباره این موضوع که یک متن الهی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ ۳- بررسی درون‌متنی سوره‌های قرآن کریم.

روش اول یعنی مراجعه به معرفی خداوند از سوره، صحیح‌ترین مسیر برای دستیابی به پاسخ مناسب است؛ زیرا با روش‌های دیگر، ممکن است به پاسخ‌هایی دست یابیم که مورد نظر خداوند نبوده و یا از دقت کافی برخوردار نیست، چنان‌که بعضی، با روش دوم و سوم، ویژگی‌هایی برای سوره معرفی کرده‌اند که چندان دقیق نبوده‌اند. البته از روش دوم و سوم نیز در خدمت روش اول و برای تکمیل مباحث استفاده می‌شود.

آیاتی که در آنها لفظ سوره به کار رفته، دو دسته‌اند: ۱- آیاتی که دلالت بر رسمیت سوره و نزول سوره‌ای دارند. ۲- آیات تحدی. این آیات نشان می‌دهند که کل قرآن، ده سوره و یا حداقل یک سوره مورد تحدی است. لذا خداوند می‌فرماید: اگر جنّ و انس جمع شوند، نمی‌توانند یک سوره بیاورند، ولی درباره حدی کمتر از سوره ادعای عجز نشده است.

می‌دانیم خداوند حکیم است (ر.ک؛ النساء/۲۶) و عبث از وی سر نمی‌زند (ر.ک؛ الأحقاف/۳)، لذا از سوره هدف مشخصی دارد. پس، اگر بشر چند آیه بی‌هدف بیاورد، سوره نیاورده است. همچنین امکان ندارد که هدف از سوره چیزی باشد، اما آیات آن بی‌ربط و بی‌نظم بوده و در راستای تحقق آن غرض ایفای نقش نکنند. همان‌طور که در هر مجموعه منظمی تمام اجزا متناسب با هدف مجموعه تنظیم می‌شوند. پس، اگر بشر با هدف معینی مجموعه‌ای از آیات را بیاورد، اما آیات آن در راستای آن هدف منسجم نباشد، باز هم سوره نیاورده است. در نتیجه، سوره مجموعه‌ای هدفمند و منسجم است. ثانیاً سخنی می‌تواند منسوب به پروردگار باشد که انسان را در مسیر کمال هدایت کند؛ یعنی با شناختی که از انسان، استعدادها و نیازهای وی دارد و نیز آگاهی از صراط مستقیم که مطابق با فطرت انسان است، بتواند برنامه‌ای کامل و همه‌جانبه برای سعادت وی ارائه دهد. پس، سخن پروردگار متنی مخاطب‌محور

و هدایتی است که بشر با علم محدودش نسبت به خودش و خدا و طریق رسیدن به او، هرگز توان آوردن چنین چیزی را ندارد.

بررسی آیات قرآن کریم ما را به مهم‌ترین ویژگی‌های سوره رهنمون می‌سازد که این ویژگی‌ها عبارتند از: ۱- رسمی‌ترین واحد مورد پذیرش قرآن کریم و مصداق کلام مُعْجَزِ الهی. ۲- هماهنگی و انسجام و هدفمندی. ۳- سخنرانی تربیتی - هدایتی. از این میان، می‌توان گفت ویژگی دوم و سوم زائیده ویژگی اول هستند؛ زیرا هماهنگی و انسجام و هدفمندی، دلیل و وجه اعجاز سوره‌ها هستند و سخنرانی تربیتی - هدایتی بروز خارجی این اعجاز است. به بیان دیگر، فقط خداوند می‌تواند با یک متن مخاطب‌محور، انسان را در مسیر پیش‌برده و تمام اجزای سخن را در راستای همین گام هدایتی تنظیم کند.

(۱) سوره؛ مصداق کامل کلام اعجاز‌آور الهی

بخش مهمتی از آیاتی که در آنها لفظ «سوره» به کار رفته، آیات تحدّی است. در این آیات، منظور از سوره، «فصول صد و چهارده‌گانه قرآن کریم» است. تحدّی به یک سوره، ده سوره و کل قرآن صورت گرفته و خداوند به کمتر از سوره تحدّی نکرده است.

خداوند در آیه ۲۳ سوره بقره و ۳۸ سوره یونس به آوردن یک سوره تحدّی کرده و در سوره بقره فرموده است: «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» و اگر درباره آنچه بر بنده خود [= پیامبر] نازل کرده‌ایم، شک و تردید دارید، (دست کم) یک سوره همانند آن بیاورید؛ و گواهان خود را - غیر خدا - برای این کار، فرا خوانید، اگر راست می‌گویید». نیز در آیه ۱۳ سوره هود به آوردن ده سوره تحدّی شده است: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَلَطْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ: آنها می‌گویند: او به دروغ این (قرآن) را (به خدا) نسبت داده (و ساختگی است)! بگو: اگر راست می‌گویید، شما هم ده سوره ساختگی همانند این قرآن بیاورید؛ و تمام کسانی را که می‌توانید - غیر از خدا - (برای این کار) دعوت کنید».

در آیات تحدّی، قرآن کریم به آوردن «سوره» تحدّی کرده است. تحدّی باید به چیزی باشد که مردم از آوردن آن ناتوان باشند. در قرآن، آیاتی وجود دارد که نقل قول از پیامبران، مؤمنان، کافران و حتی شیطان است. اگر تحدّی به این آیات صورت بگیرد، ممکن است انسان بتواند همانندآوری کند؛ مثلاً آیه ۳۴ سوره مؤمنون می‌فرماید: «وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِّثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذًا لَّخَاسِرُونَ» و اگر از بشری همانند خودتان اطاعت کنید، مسلماً زیانکارید». مسلماً گفتن این عبارت برای بشر غیر ممکن نیست؛ زیرا اساساً این آیه، نقل قول قرآن از مترفان است.

دسته‌ای دیگر از آیات، به تنهایی مفهوم کاملی ندارند و هنگامی معنا می‌یابند که در کنار آیات قبل و بعدشان قرار داشته باشند. این امکان وجود دارد که یک انسان جمله کاملی بگوید که از نظر زبان‌شناختی حتی برتر از آن آیه باشد. مانند قَسَم‌های ابتدای سوره شمس که جواب آن بعد از چند آیه آمده است. در نتیجه، به این آیات نیز نمی‌توان تحدی کرد. اینکه خداوند به سوره تحدی کرده، نشان می‌دهد که اولاً سوره ویژگی خاصی، غیر از ویژگی چند آیه دارد. البته در یک یا چند آیه ممکن است اعجاز لفظی، ادبی، آوایی و اخبار غیبی موجود باشد؛ بنابراین، تحدی به سوره برای غرضی فراتر از اینها، یعنی اعجاز محتوایی است. ثانیاً از دیدگاه قرآن، «سوره» دارای «تشخص» است. همچنین تحدی به سوره می‌تواند بر رسمیت یافتن «سوره» به عنوان واحد کامل قرآنی از جانب خدا اشاره کند، چنان‌که برخی از صاحب‌نظران گفته‌اند: «آیات تحدی دلالت دارند بر کامل بودن سوره‌های قرآنی در عصر نزول، و نشان می‌دهند که حتی پیش از هجرت، اعجاز قرآن، محقق بود. در غیر این صورت، دعوت جهانیان به آوردن سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های قرآن چه معنایی دارد؟!» (فقهی‌زاده، ۱۳۷۴: ۳۵).

با توجه به «هدفمند بودن سوره» و «تحدی به سوره» (نه کمتر از آن) می‌توان بدین نتیجه دست یافت که تحدی به کلامی صحیح است که منسجم، هدف‌دار و دارای غرضی الهی باشد. تحدی به یک سوره بدین سبب است که هر سوره یکی از اغراض الهی را به‌طور کامل بیان می‌دارد، بیانی که حق را از باطل متمایز می‌کند و صرفاً لفاظی و سخن‌پردازی نیست (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۶۷). روشن است که ویژگی سوره، غیر از ویژگی مجموعه قرآن کریم است (ر.ک؛ همان: ۱۶۸).

بر این اساس، روشن می‌شود که قوام سوره‌ها تنها به حروف، واژه‌ها و جمله‌های پراکنده و بی‌ارتباط آن نیست، بلکه به نظم و پیوستگی بین آیات و ارتباط ناگسستنی آنان است که چنین چیزی به گواهی آیات تحدی از «غیر خدا» ممکن نیست. بنابراین، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سوره بر اساس آیات قرآن کریم، «هدفمندی» است.

علامه طباطبائی بعد از طرح مباحثی از آیات تحدی چنین نتیجه‌گیری می‌کند: «کلام الهی با آن تحدی‌هایی که در آیات تحدی کرده، به حسب آنچه از خصایص آن پیداست، در هر سوره غرضی خاص را دنبال کرده، در عین حال مجموع آن نیز اغراضی مخصوص به خود نیز دارد. این است کلامی که می‌توان با آن تحدی کرد و تمامی بشر را، از اولین و آخرین، مخاطب قرار داد و گفت: «فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ» (الطّور/۳۴)، چون هر کلام را «حدیث» نمی‌نامند و کلامی حدیث است که مشتمل بر غرض مهمی باشد، غرضی که به عنوان حدیث سینه به سینه و دست به دست بگردد و همچنین گفت: «فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ» (الطّور/۳۴). چون خدای تعالی سوره را به چند آیه - هرچند آن آیات متعدد باشد - اطلاق نمی‌کند، مگر آنکه آن آیات مشتمل بر غرضی الهی، متمایز از غرض‌هایی که در سوره‌های دیگر استیفاء شده، باشد. اگر چنین نبود، تحدی به

آیات قرآنی کار درستی نبود؛ زیرا خصم می‌توانست از مفردات آیات، تعداد زیادی را انتخاب کند و یک‌یک آنها را در مقابل کلمات شیرین شعرای عرب قرار داده و به مقایسه بنشیند؛ مثلاً کلمات «وَالضُّحَى»، «وَالْعَصْرِ»، «مُدْهَامَّتَانِ»، «سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ» و کلماتی از این قبیل را گرفته، بدون اینکه آنها را به هم ربط دهد تا کلامی سر و ته‌دار و دارای غرض شود، در مقابل اشعار عرب قرار دهد و بگوید: اشعار عرب خیلی شیواتر و شیرین‌تر از این کلمات بی‌معناست. پس، آنچه خصم در آیات تحدی مکلف بدان شده، این است که کلامی بیاورد که شبیه قرآن باشد؛ یعنی علاوه بر بلاغت و معجزه‌آسایی که در عبارات و الفاظ آن است، مشتمل بر بیان پاره‌ای از مقاصد الهی و اغراضی باشد که خدای تعالی آنها را اغراض و اوصاف کلام خود شمرده است. با توجه به تحدی‌هایی که در آیات آمده، به حسب آنچه از خصایص سوره‌ها پیداست، در هر سوره غرض خاصی را دنبال کرده و در عین حال مجموعه قرآن نیز اغراضی مختص به خود دارد ... و در عین حال، هر یک از سوره‌های قرآن خصوصیتی مختص به خود دارد و آن اینکه با بیانی جامع و بلاغتی خارق‌العاده، یکی از اغراض الهی را که بستگی و ارتباط با هدایت و دین حق دارد، دنبال می‌کند و این احتمال (مثل قرآن آوردن) هرچند درباره یک سوره از قرآن نیز مردود و مرفوع است، در مورد سوره‌های متعدّد بعیدتر و غیر قابل قبول‌تر است» (همان: ۱۶۸-۱۶۷).

دقت در همین ویژگی سوره‌ها، چنان بر رسمیت و استقلال سوره تأکید می‌کند و به ما نشان می‌دهد هر یک باید غرضی متمایز از سوره‌های دیگر داشته باشند که برخی را وادار کرده جابجایی آیات سوره را همانند جابجایی اجزای صورت مضر معرفی کنند: «هرچند جابه‌جایی سوره‌ها و آیات آنها برای کسانی که فراتر از ظاهر قرآن تدبّر نکرده‌اند، تفاوتی ندارد، اما در چشم کسانی که دریچه‌ای از دنیای مناسبات آیات و سوره به روی آنها گشوده شده است، این عمل حکم جابه‌جایی اجزای صورت را دارد. در اندیشه اکثر مردم، قرآن ترکیبی از اعضای نامأنوس و غیرمتناجس به نظر می‌رسد که به صورت ایستا و مکانیکی کنار هم چیده شده‌اند، در حالی که این کتاب همچون اورگانیکسی زنده، سازمان و نظامی دینامیک و پویا دارد که هدف واحدی را در راستای توحید تعقیب می‌نماید» (بازرگان، ۱۳۷۵، ج ۱: ۹).

در نتیجه، قرآن به منزله نسخه کاملی است که خالق هستی آن را برای شفا و هدایت همه انسان‌ها فرو فرستاده است (ر.ک؛ یونس/۵۷). هرچند انسان‌ها برای هدایت کامل و جامع باید تمام این نسخه را فراگیرند و بدان ایمان آورند و در دستور زندگی خود قرار دهند. اما هر کدام از سوره‌های آن نیز که به منزله یک کلام تام و اعجازگونه الهی است - از این رو که مورد تحدی قرار گرفته است (ر.ک؛ البقره/۲۳ و یونس/۳۸) - می‌تواند بر درجه‌ای از درجات ایمان و هدایت مؤمنان بیفزاید (ر.ک؛ التوبه/۱۲۴). این بدین معنا است که هر کدام از سوره‌های قرآن به طور مجزاً دارویی متمایز از دیگر داروهای الهی است که مجموع همه اینها، جامعه انسانی را از تمام دردها و مرض‌ها نجات خواهد داد به مانند نسخه طبیبی

که هر کدام از داروهایی که در آن تجویز شده، از دیگری مجزاست و در درمان مریض نقش خاصی دارد و با این حال، برای بهبود کامل باید تمام نسخه را به کار گرفت.

بنابراین، هر سوره قرآن، از یک سو از دیگر سوره‌ها مستقل است و گامی مجزا برای هدایت انسان‌ها برمی‌دارد، اما از سوی دیگر، وابستگی شدیدی به سوره‌های دیگر دارد و در کنار آنها و در تعاضد با یکدیگر نسخه جامع و دائمی برای سعادت بشریت را عرضه کرده‌اند.

سوره‌های قرآن در این ویژگی با فصول یک کتاب مشترکند؛ زیرا فصول یک کتاب نیز از طرفی در درون خود منسجم و کامل هستند و از طرف دیگر، با فصول دیگر متمایز هستند. هر فصل از کتاب، هویت مستقل از فصول دیگر دارد که همه جملات و عبارات درون آن با هماهنگی با هم، آن هویت مستقل را تشکیل می‌دهند. لذا روشن است که هر سوره نظام خاصی دارد که تمام سوره از آغاز تا انجامش را یکسان می‌کند (ر.ک؛ معرفت، ۱۴۱۲ق، ج ۵: ۲۴۶) و لذا آیه‌های هر سوره با یکدیگر کامل‌ترین و فراگیرترین هماهنگی را دارا هستند (ر.ک؛ صبحی صالح، ۱۳۷۹: ۲۳۷)، به مانند جسم انسان که دارای اعضای مختلف با وظایف متفاوتی است، اما همه آنها با یکدیگر ارتباط دارند و به جسم انسان قوام واحدی می‌دهند و همه اعضا در انجام غرضی واحد با هم همیاری می‌کنند. به عنوان مثال، سوره منافقون مشتمل بر یازده آیه است که آیات یکم تا هشتم آن به توصیف منافقان می‌پردازد و آیات نهم تا یازدهم آن سخن از انفاق به میان می‌آورد. هدف الهی از این سوره و کنار هم قرار دادن این دو دسته از آیات «معرفی انفاق به عنوان راهکار پیشگیری از نفاق» بوده است؛ راهکاری که هرگز به بلندای ذهن بشر نمی‌رسد، یا اگر برسد، نمی‌تواند مطالبی اثرگذار را به گونه‌ای در راستای این هدف بیاراید که مقدمات تحقق هدف در وجود مخاطب وی ایجاد شود.

۲) هماهنگی، انسجام و هدفمندی

یکی از ویژگی‌های قرآن کریم آن است که آیات آن توسط سوره‌ها تقطیع و تقسیم گردیده است و چنان نیست که تمام آیات آن، از آغاز تا پایان، پی‌درپی و بدون فاصله آمده باشد، بلکه هر دسته از آیات تحت نام سوره‌ای خاص دسته‌بندی شده‌اند. پیش از ورود به بحث پیرامون موضوع «ضرورت هماهنگی بین تمام آیات یک سوره» باید به این اصل اشاره شود که ترتیب آیات در سوره‌های قرآن توقیفی است و به وحی الهی و به دستور پیامبر اکرم (ص) صورت گرفته است. با توجه به مبنای مذکور، باید به این سؤالات پاسخ داده شود که: اولاً آیا چینش آیات درون سوره‌ها حکیمانه و برای غرض خاصی است؟ ثانیاً اگر پاسخ به این سؤال مثبت است، حکمت قرار گرفتن مجموعه‌ای از آیات در ساختاری به نام سوره چیست؟ پاسخ به سؤال اول روشن است؛ زیرا هر فعلی که از شخص حکیم صادر می‌شود، قطعاً حکمتی دارد و از آنجایی که چینش و تعیین جایگاه قرار گرفتن آیات در سوره‌ها مستند به خداوند حکیم است، لذا این جایگذاری و چینش قطعاً حکمتی دارد. اما مطلب مهم‌تر سؤال دوم

خواهد بود، لذا بسیار مورد بحث محققان قرار گرفته است. عده‌ای از پژوهشگران در پاسخ به این سؤال حکمت‌های ذیل را بر شمرده‌اند:

- ۱- آسان کردن کار بر مردم و تشویق آنان بر یاد گرفتن، آموختن و از حفظ کردن.
- ۲- اشاره به اینکه کوتاهی و بلندی سوره‌ها، شرط اعجاز نیست و هر سوره‌ای - هر اندازه هم کوتاه باشد - در کمال اعجاز قرار دارد.
- ۳- اینکه قرآن، چون به انواع و اصناف تقسیم گردد، نیکوتر از آن است که در یک باب قرار بگیرد.
- ۴- اینکه چون قاری سوره‌ای را به پایان ببرد و دیگری را آغاز کند، احساس شادمانی، و برای خواندن بیشتر انگیزه مضاعفی پیدا می‌کند.
- ۵- اینکه چون حافظ قرآن در سوره‌ای مهارت یافت و فهمید قسمتی از کتاب خدا را فرا گرفته، آنچه را که حفظ کرده، نزدش گرامی خواهد بود (ر.ک؛ رامیار، ۱۳۶۲: ۵۸۱-۵۸۰ و زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۹۸-۹۷).

لیکن باید به این مهم توجه شود که آنچه بیشتر اندیشمندان به عنوان حکمت تقسیم‌بندی قرآن به سوره‌ها برشمرده‌اند، ثمرات و فواید این مطلب است، نه حکمت و دلیل آن. توضیح اینکه میان حکمت و دلیل یک مطلب با ثمرات و فواید آن تمایزهایی وجود دارد. حکمت و دلیل یک شیء آن علت تامه‌ای است که باعث به‌وجود آمدن آن می‌شود، اما ثمرات، آن نتایجی است که بر وجود یک شیء مترتب است. بر این اساس، به نظر می‌آید که آنچه این محققان عنوان کرده‌اند، جزء ثمرات و فواید تقسیم قرآن به سوره‌ها باشد، نه علت و حکمت آن.

به نظر می‌آید که برای رسیدن به پاسخ این سؤال و کشف حکمت تقسیم قرآن به سوره‌ها، باید به دو پرسش مهم پاسخ داده شود:

الف) حکمت انفصال سوره‌ها از یکدیگر چیست؟ یا به عبارت دیگر، علت تقسیم قرآن به سوره‌ها و محصور کردن آیات در آنها چیست؟

ب) چرا این آیات خاص در هر سوره قرار گرفته‌اند؟ یا به بیان دیگر، آیا این امکان وجود نداشت که قرآن را در قالب سوره‌های بیشتر و یا کمتر دسته‌بندی کرد؟ یا آیا این امکان وجود نداشت که آیات سوره‌ها را جابجا کرد و همین تعداد سوره، ولی با آیات دیگری تشکیل داد؟ مثلاً آیا می‌توان تعدادی از آیات سوره بقره را با همان مقدار از آیات سوره آل عمران جابه‌جا کرد و به همین شکل درباره سوره‌های دیگر عمل کرد، ولی به گونه‌ای که تعداد سوره‌ها ۱۱۴ سوره باقی بماند؟

با در نظر گرفتن اینکه تقسیم قرآن به سوره‌ها و چینش آیات درون سوره‌ها با وحی الهی صورت گرفته است و با لحاظ دو سؤال بالا به این نتیجه مسلم می‌رسیم که هر کدام از سوره‌های قرآن علاوه بر انفصال و تمایز از سوره‌های دیگر، در درون خود دارای اتحاد و هماهنگی خاصی هستند. به عبارت

دیگر، آن چیزی که آیاتی را از آیات قبل و آیات بعد جدا کرده است و آنها را در یک سوره گرد هم قرار داده است، از یک سو، انفصال آنها از آیات دیگر سوره‌ها و از سوی دیگر، اتحاد و همسویی آنها با یکدیگر است.

در غیر این صورت، چنان تفکیکی حکیمانه نخواهد بود؛ زیرا اگر آیات یک سوره از آیات پیشین و آیات بعدی جدا نباشند، دلیلی برای تفکیک آنها از قبل و بعد نیست و اگر همه آیات سوره در پیوند با یکدیگر نباشند، توجیهی برای عدم تفکیک درونی آنها به چند سوره وجود ندارد. بنابراین، در درون هر یک از قطعه‌های کلام وحی که ذات باری تعالی آنها را «سوره» نامیده است، گونه‌ای از تمامیت و یکپارچگی وجود دارد که این یکپارچگی و تمامیت، نه میان بخشهای یک سوره است و نه میان دو سوره مجزا از یکدیگر (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۶).

هر سوره از قرآن دارای روحی کلی است که در تمام زوایا و شریان‌های آن جریان دارد (ر.ک؛ شحاته، ۱۳۶۹: ۳۳). از این رو، میان آیات هر سوره یک قدر مشترک و عامل پیونددهنده وجود دارد تا به آن مجموعه هویت و شخصیت ممتاز و مستقلی از سایر مجموعه آیات در سوره‌های دیگر ببخشد و این عامل پیونددهنده، مصحح تفکیک و جداسازی آیات در درون سوره‌های مختلف باشد (ر.ک؛ گلجانی‌امیرخیز، ۱۳۸۷: ۴۷۹).

با این مقدمه روشن می‌شود که اگر حتی آنچه که از قول بعضی محققان پیرامون حکمت تعیین سوره‌ها در قرآن بیان شد، بتوان جزء حکمت دانست، نه ثمرات، این اقوال تنها پاسخگوی سؤال اول هستند و تنها توانسته‌اند دلیل انفصال سوره‌ها از یکدیگر را بیان کنند و برای علت اتحاد آیات سوره‌ها با یکدیگر حکمتی را بیان نکرده‌اند. چه اینکه اگر کسی در پاسخ به حکمت تقسیم قرآن به سوره‌ها چنین بگوید که همه آیات درون سوره‌ها برای هدایت انسان‌ها گرد هم آمده‌اند، تنها به سؤال دوم پاسخ داده و در واقع، فقط پاسخگوی اتحاد سوره‌ها می‌باشد و دلیل انفصال سوره‌ها از یکدیگر را بیان نکرده است؛ زیرا اگر همه آیات برای هدایت انسان‌ها هستند، پس، دلیلی وجود ندارد که آنها در سوره‌های جدا از هم تقسیم‌بندی شوند.

با توجه به مقدمه مذکور به صورت جداگانه به بررسی دو موضوع «هماهنگی، سیر منطقی و انسجام درونی» و «هدفمندی» سوره پرداخته می‌شود.

۲-۱) هماهنگی و انسجام

در بازشناسی معنای سوره، ویژگی «داشتن منطق سخن» (برخورداری از سیر منطقی از ابتدا تا انتهای آن) مد نظر قرار دارد. هر گوینده‌ای که مطلبی را بیان می‌کند، کلام او آغاز و انجام و سیر حکیمانه‌ای دارد. سوره نیز مرزهای قرآن است، مشتمل بر آیاتی که سرآغاز و خاتمه‌ای منطقی دارد.

این مفهوم مدّ نظر لغت‌شناسان نیز قرار گرفته است، چنان‌که در لغت‌نامهٔ دهخدا به نقل از کشف اصطلاحات الفنون چنین بیان شده است: «سوره پاره‌ای از قرآن است که مشتمل بر آیاتی که دارای فاتحه و خاتمه باشد» (تهانوی، ۱۹۹۶م. ج ۱: ۹۸۹). با این مقدمه، یکی از ویژگی‌های سوره، برخورداری از انسجام درونی است؛ بدین معنا که ممکن نیست کلامی از شخص حکیم صادر می‌شود، اما متن آن کلام منسجم نباشد.

اثبات ویژگی «انسجام درونی سوره» از راه توجّه به حکمت پروردگار ممکن است. توضیح اینکه از هر گوینده‌ای توقّع می‌رود تا سخنی پیوسته ارائه دهد، به این بیان که ابتدا و انتها و لبّ سخن مشخص باشد و مخاطب بتواند منظور متکلم را دریابد. در قواعد ادبی و لفظی و اقتضای سخن گفتن، نوعی پیوستگی میان کلمات و ارتباط میان سخنان گوینده اجتناب‌ناپذیر است (ر.ک؛ همان: ۴۰). کلامی که ابتدا و انتهای آن مشخص نباشد و از هر بابی سخن گفته باشد، در شأن هیچ حکیمی نیست، چه رسد به خداوند که حکیم مطلق است، چرا که نحوهٔ چینش مطالب تأثیر ویژه‌ای بر فهم دارد و بر هر عاقلی لازم است تا سخنان خود را بر حسب منظوری که دارد، مرتّب کند. چنانکه زرکشی، علم تناسب را امری معقول نامیده و گفته است: «قدر و منزلت گوینده در مطلبی که می‌گوید، با تناسب داشتن کلامش مشخص می‌شود و پی بردن به عقول از طریق سنجش آن میسر است» (زرکشی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۶۱).

خلاصه آنکه بر خداوند حکیم لازم است که قرآن را متناسب با هدف هدایت انسان‌ها مرتّب کرده باشد و اگر آیات و مطالب را خارج از چینش حکیمانه‌شان بررسی کنیم، خود را از هدایت سوره محروم کرده‌ایم و صرفاً به جمع‌آوری اطلاعات موضوعی بسنده کرده‌ایم و اگر مراد خداوند چنین هدایتی بود، حتماً آیات هم‌موضوع را خودش کنار هم قرار می‌داد.

اگر هر کدام از آیات الاحکام و قصّه‌ها از مواضع اصلی‌شان در متن قرآنی برداشته شود و در سوره یا سوره‌های جداگانهٔ دیگری سازمان یابد، بی‌گمان هدف قرآن (از چینش موجود) دستخوش نابودی خواهد شد. آنگاه دیگر چیزی جز پاره‌هایی از داستان‌ها و تاریخ و احکام و ... در دست نیست که از زیبایی‌ها و تأثیرات ژرف درونی خالی است و دیگر نه قصّه است و نه تاریخ و نه احکام (ر.ک؛ شاذلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۱۹۳).

۲-۲) هدف‌مندی سوره

حکیمانه بودن کلام خدا، در کنار انسجام و هماهنگی آیات درون سوره، ما را به «هدف‌مندی سوره» که از مهم‌ترین ویژگی‌های سوره است، راهنمایی می‌کند. خداوند متعال آیات هماهنگ و مناسب را در یک سوره آورده است تا اهداف و مقاصد سوره را تحقق بخشد که در واقع، وجود اهداف گوناگون و عینیت بخشیدن به آنها از طریق آیات، موجب پیدایش سوره‌ها و تفاوت آنها گردیده است و خداوند

حکیم با کمال علم و عنایت واژگان و آیات سوره را به بهترین صورت مناسب و با هدف واحد، انتخاب کرده و آنها را کنار هم قرار داده است. در نتیجه، هر سوره را به اصطلاح امروزی می‌توان یک «مقاله» و مطلب مستقل و کامل دانست که دارای مقدمه، متن و نتیجه‌گیری مستقل از سوره‌های دیگر است. (بازرگان، ۱۳۷۵، ج ۱: ۵). به عبارت دیگر، می‌توان گفت «هر سوره هدفی را دنبال می‌کند که با اتمام آن هدف، سوره هم پایان می‌یابد» (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۸۳ و خرقانی، ۱۳۸۰: ۱۳۶). این ویژگی آنچنان اهمیت دارد که در اصل تعریف سوره نیز گنجانده می‌شود. علامه طباطبائی می‌فرماید: «سوره مجموعه‌ای از سخن الهی است که با بسمله آغاز شده - به استثنای سوره توبه - و در راستای غرضی خاص قرار دارد» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۳: ۲۳۱).

ایشان در جای دیگری می‌گویند: «باید دانست که خداوند به صورت مکرر در میان کلماتش از «سوره» نام برده، مانند آیه «...فَاتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ...» (یونس/۳۸) و «سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا...» (التور/۱) از اینکه بر لفظ «سوره» تأکید شده، می‌توان استنباط کرد که هر یک از قسمت‌های کلام الهی که آن را به صورت قطعه‌ای جداگانه معرفی نموده است و نام «سوره» بر آن گذارده، دارای نوعی ارتباط و پیوستگی است که چنین پیوستگی و ارتباطی میان دو سوره مجزاً یا اجزای آنها وجود ندارد. از آنجا که وحدت و یگانگی سخن، به واسطه هدف و منظوری است که در متن آن در نظر گرفته شده، لذا هر کدام از سوره‌ها علی‌القاعده هدف و منظور خاصی را دنبال می‌کنند» (همان: ۱۱۶).

ایشان با استناد به آیه نخست سوره نور می‌گویند: «واژه سوره به معنای پاره‌ای از کلمات و جمله‌بندی‌هایی است که همگی برای ایفای یک غرض در قالب سوره ریخته شده و به همین جهت در این آیه، یک بار مجموع آیات سوره - به اعتبار معنایی که دارند - سوره نامیده شده‌اند...» (همان، ج ۱۵: ۷۸).

اینکه تعداد آیات مشخص با یک ترتیب خاص و مرز مشخص در حیطه یک سوره قرار می‌گیرند و امکان جابجایی آن با آیاتی دارای موضوعات دیگر وجود ندارد، بیانگر همین مطلب است که هدف و غرضی که این آیات برای تحقق آن است، با آیات دیگر تحقق نمی‌یابد. آیت‌الله معرفت درباره این ویژگی مهم سوره می‌گوید: «هر یک از سوره‌قرآنی دارای یک جدول بزرگ و پیکره عظیمی است که از اغراض و اهدافی که در تمام آن گسترده شده، شکل می‌گیرد و این رابطه و هماهنگی بحری است که به مجرد تکمیل آن، رسالت و اهداف مشخص سوره نیز خاتمه می‌یابد تا به دنبالش، رسالت و هدف جدیدی مطرح شود و سوره دیگری آن رسالت و پیام و اهداف را به دوش می‌کشد» (معرفت، ۱۴۱۲ق: ۳۱). این نظریه در میان بسیاری از محققان نظریه‌ای رایج و مطرح است که «هر سوره‌ای از سوره‌های قرآن کریم دارای جان و روحی است که در کالبد آیات آن سوره جریان دارد و این روح بر مبانی و احکام و اسلوب آن سوره دارای سلطه و اشراف است» (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۱۰ و شحاته، ۱۳۶۹: ۳۱-۳۰).

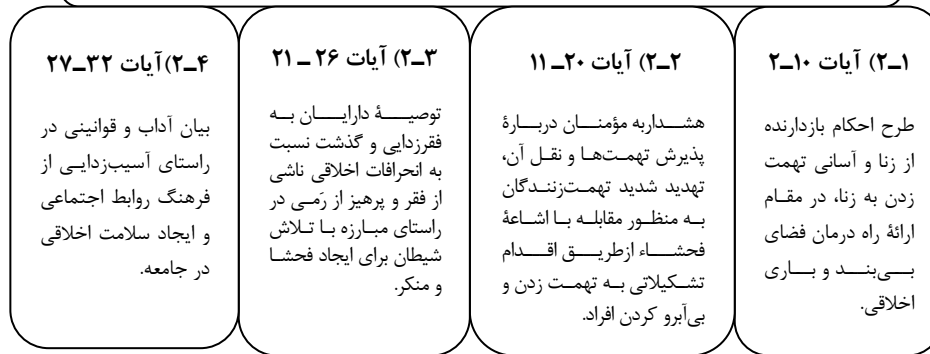
دیگران نیز سوره را دارای فضا و جوّ معنوی خاصی می‌دانند که سوره در آن فضا جولان دارد (ر.ک؛ شحاته، ۱۳۶۹: ۳۱-۳۰). قرار گرفتن آیات قرآن در قالب سوره‌ها و تمایز سوره‌ها از یکدیگر، بیانگر تفاوت هدف هر سوره است که می‌توان این هدف را به مثابه روح حاکم بر کالبد آیات و موضوعات و مفاهیم سوره تشبیه کرد. شحاته تلاش کرده است تا ضمن بیان تشبیه فوق، این روح حاکم بر هر سوره را بیابد و برای مخاطبان ترسیم کند. وی مدّعی است که «سعی دارد آن روحی که در جان سوره‌ها قرار دارد و بر مقدمات و توجیهاات و روندهای آن کاملاً اشراف دارد، کاملاً مکشوف گردد. این نگرش وسیع و فراگیر (پذیرش اصل برخورداری سوره از روند منطقی سخن حکیمانه و هدفمند)، طرح کلی سوره، بلکه سراپای سیما و چهره سوره‌های قرآن را به تصویر می‌کشد و می‌تواند شخصیت و سمت خاص هر سوره‌ای را نمودار سازد و تلاوت‌کننده را در موقعیتی قرار دهد که پیام کلی هر سوره را دریافت کرده و موضوعات و مسائل آن را در محدوده جامع آن، دقیقاً بررسی کند؛ محدوده‌ای که می‌تواند آن سوره را از دیگر سوره‌ها ممتاز کند...» همچنین می‌گوید: «ما بر آنیم که قرآن کریم را همان‌گونه که هست، معرفی کنیم و هر سوره‌ای از سوره‌های قرآن را آنچنان در برابر دیدگان تلاوت‌کننده قرار دهیم که در هنگام برقراری رابطه با هر یک از آنها، چهره و هیأت واقعی و رونق و صفای حقیقی آن به او ارائه و تقدیم گردد. فرقاها و تفاوت‌های عظیم و آشکاری وجود دارد میان یک چهره و قامت متکامل و متناجس - که تمام اندام‌های آن به هم پیوستگی دارد - از یک سو، و چهره و قامتی که اندام‌های آن از هم گسسته و اجزای آن از هم گسیخته است» (همان: ۳۲-۳۱).

با تدبّر در سوره نور، که سوره‌ای نسبتاً بلند و مشتمل بر ۶۴ آیه است، می‌توان این ویژگی‌ها را به خوبی مشاهده کرد. این سوره در صدد «ارائه سیستمی کامل برای حرکت به سوی عقّت اسلامی» است که این هدف را مطابق نمودار ذیل در چهار مرحله تحقّق بخشیده است:

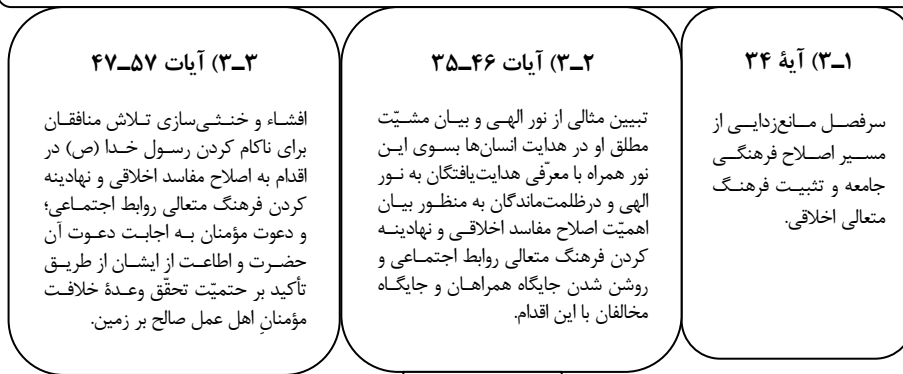
نمودار سوره مبارکه نور

۱. سرفصل درمان فضای بحرانی انحرافات اخلاقی

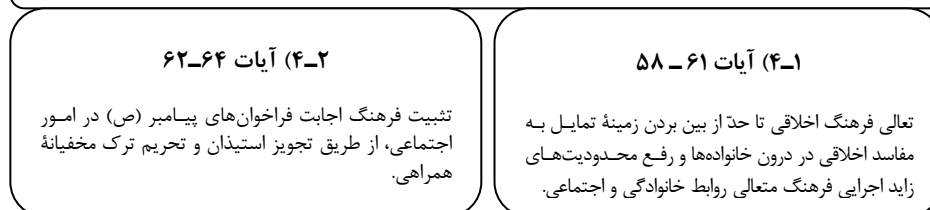
۲. طراحی فرهنگ متعالی روابط اجتماعی بر پایه عفت و پاکدامنی



۳. مانع‌زدایی از مسیر اصلاح مفساد اخلاقی جامعه و نهادینه کردن فرهنگ متعالی روابط اجتماعی



۴. فاز دوم اقدامات اصلاحی و فرهنگ‌سازانه سوره



اگر بخواهیم از برنامه‌ای بشری و غیر الهی بهره بگیریم، ممکن است اولاً برخی از این گام‌ها به ذهن بشر خطور نکرده باشد، ثانیاً ترتیب و انسجام آنها به گونه‌ای دیگر بوده و آسیب‌هایی به دنبال داشته باشد؛ به عنوان مثال:

(۱) اگر فضای جامعه دچار بی‌بند و باری باشد، معرفی محور نور و تاسی به خانه‌های نورانی هیچ تأثیری در فضای جامعه نخواهد داشت.

(۲) اگر ازدواج در جامعه مشکل باشد، توصیه به حجاب تأثیر نخواهد داشت.

(۳) در شرایطی که دادن نسبت‌های ناروا به دیگران تبدیل به امری عادی شده باشد و دشمنان از این طریق، قادر به تأثیرگذاری در جامعه هستند، سایر اقدامات مانند تسهیل ازدواج و فقرزدایی تأثیر چندانی در ایجاد فضای عفت ندارد.

(۴) تا زمانی که اقداماتی برای بحران‌زدایی از فضای بی‌بند و باری در جامعه صورت نگرفته باشد، اساساً بحثی از سنگ‌اندازی‌های منافقان در اجرای این اقدامات مطرح نیست. از طرف دیگر، اگر جلوی اقدامات منافقان گرفته نشود، ارتقای سطح فرهنگ جامعه ممکن نیست.

(۵) اجرای برنامه‌های خرد و کلان و تحقق یافتن قوانین تعالی‌بخش تا زمانی که جامعه درگیر بحران و مسائل ابتدایی خویش است، امکان‌پذیر نیست.

(۶) همچنین آسیب‌زدایی و برخورد مناسب با کارشکنی‌ها نیازمند تثبیت «فرهنگ اجابت دعوت رهبر دینی» است که این در آخرین گام صورت می‌گیرد.

توجه به نمودار سوره می‌تواند در به تصویر کشیدن این انسجام راهگشا باشد:

۳) سوره؛ بیان هدایتی و متن مخاطب‌محور

می‌توان گفت که: این ویژگی، بخشی از ویژگی پیشین محسوب می‌شود، اما به دلیل اهمیت زیاد، قابلیت طرح مستقل را دارد. نخستین چیزی که بعد از پذیرش مبنای توفیقی بودن چنین آیات مطرح می‌شود، یکپارچگی کلامی است که از جانب خداوند صادر شده است، اما آنچه به عنوان مبنا این انسجام را ضروری می‌کند، هدف‌مندی قرآن است. خداوند قرآن را مایه هدایت معرفی می‌فرماید (ر.ک؛ البقره/۱۸۵) و هدایت‌گر بودن قرآن ایجاب می‌کند که هدایت در تمام سوره‌ها جریان داشته باشد. بر این اساس، ادعا می‌شود که در قرآن فضای هدف و خط سیر واحدی دنبال می‌شود که بر تمام تغییر قالب‌ها حاکم است و نظم و روح معینی را - که همان هدایت و ارشاد و تحت تأثیر قرار دادن مخاطبان است - تعقیب می‌کند (ر.ک؛ ایازی، ۱۳۸۰: ۱۸۱).

خداوند هم به «آوردن کل قرآن» تحدی کرده است و هم به «آوردن یک سوره». به عبارت دیگر،

سوره نیز مانند قرآن یک متن منسجم دارای فاتحه و خاتمه و غرض است. لذا می‌توان ویژگی هدایتی بودن قرآن را درباره سوره نیز صادق دانست، در حالی که خداوند صرفاً به یک یا چند آیه ظاهراً مرتبط تحدی نکرده است. بنابراین، یک یا چند آیه خارج از سوره، هدایت تام الهی را نشان نمی‌دهد. در چنین قرآن کریم نظم و ترتیب مرسوم در کتب علمی بشر مراعات نشده، اما بر اساس دلایلی که پیشتر بیان شد، محال است که قرآن خالی از انسجام و فاقد نظم و ترتیب باشد، بلکه نوع دیگری از نظم دارد که باید در پی درک آن برآمد. انسان در اثر قرار داشتن در ظرف زمان و ظرف مکان، مسائل و موضوعات را جدای از هم و تجزیه شده و مستقل می‌بیند، لذا ممکن است به آسانی ارتباط ارگانیک پدیده‌های عالم را که همه مخلوق یک پروردگار هستند، درک نکند، اما قرآن که کلام نازل شده از جانب خداست، فراتر از مرزهای زمان و مکان سخن گفته است. خداوند به عنوان خالق، تمامی ابعاد مورد نیاز برای هدایت را آن گونه که انسان به آن نیاز دارد، فراهم آورده است. نوع طرح مطالب قرآن کریم را می‌توان به سان سخنرانی خطیب چیره‌دستی در نظر گرفت که برای رشد مخاطب همه عوامل مؤثر در هدایت و گمراهی او را می‌شناسد و در جایگاه مناسب از آنها بهره می‌برد.

گوینده دانا و نویسنده توانا از مطالب گوناگون همچون آیات، روایات، اشعار، داستان‌ها، طنز، استدلال، موعظه و هشدار در جای جای کلام خویش بهره می‌جوید، اما هرگز عنان کلام را از دست نداده و به وادی پراکنده‌گویی و کشکول‌بافی نمی‌افتد، بلکه با منسجم نمودن آنها در پرتو یک هدف و غرض مشخص، اندک‌اندک مخاطب خود را به نتیجه‌ای که در نظر دارد، می‌رساند و شاهد سخن را در کام او می‌نشانند. اگر قرآن کتابی فاقد نظم هدایتی بود، ممکن بود که در هنگام نیاز به تبشیر، انداز داده باشد و یا زمانی که باید به معرفی راه پردازد، هنوز به ایجاد انگیزه درباره موضوع قبلی در مخاطب ادامه بدهد و در این امر افراط کند یا اینکه بدون معرفی خوب و بد و راهنما، انسان را در سر در گمی رها کند، یا اینکه در آیاتی دیگر - که هنوز آمادگی پذیرش مطلبی را در مخاطب ایجاد نکرده - به بیان آن مطلب می‌پرداخت و در نتیجه، هدف قرآن، یعنی هدایت انسان حاصل نمی‌شد.

این چنین بر حسب غرض و هدف (نه موضوع) به دلیل سبک هدایتی (ر.ک؛ همان: ۲۷) و تربیتی قرآن بوده که متناسب با نیاز مخاطب تنظیم شده است، نه سبک رایج در تدوین کتب علمی که یک موضوع را مورد نظر قرار می‌دهند و مسائل مختلف پیرامون آن موضوع را مطرح می‌کنند. بی‌تردید روشی که قرآن کریم در نظم خود برگزیده است، برای اهداف و مقاصد نزولی آن، کارسازترین و بهترین شیوه است و زبان قرآن هماهنگی و تناسب کاملی با رسالت آن دارد... قرآن در آمیخته‌گویی موضوعات و مطالب با یکدیگر - نه تفکیک موضوعی آنها - و با بیان ابعاد گوناگون یک موضوع در سراسر خود - نه تمرکز کامل موضوع در یک بخش - قصد ساختن و تربیت کردن خواننده خود را دارد و او را در هنگام قرائت همراه خود می‌سازد (ر.ک؛ خرقانی، ۱۳۸۰: ۲۲).

مخاطب‌محوری و نظم هدایتی قرآن اقتضا می‌کند که بدون رعایت اصول مرسوم دسته‌بندی و نظم

معهود کُتب علمی، مطالب خویش را بیان کند، چون در ساختار هدایتی نیاز روحی و عکس‌العمل مخاطب نیز لحاظ، و مطالب متناسب با آن ارائه می‌شود، بر خلاف ساختار علمی که صرفاً متناسب با اقتضای موضوع مورد بحث تنظیم می‌گردد. سخنرانی علمی (مانند کنفرانس) یا متن علمی (مانند پایان‌نامه یا رساله پژوهشی یا کتاب و مقاله) متفاوت است با سخنرانی یا متن هدایتی (مانند منبر و ...). زیرا در سخنرانی علمی باید حدود موضوع رعایت شود، اما در سخنرانی یا متن هدایتی نیاز مخاطب را رابطه با «غرض» مورد توجه قرار می‌گیرد. شاید به دلیل همین ویژگی است که برخی، مخاطب‌محوری را به‌عنوان یکی از ملاک‌های تمایز سوره مکی از سوره مدنی دانسته‌اند. (نقیسی، ۱۳۹۰: ۱۶۵).

اگر کسی بخواهد درباره معاد کنفرانس بدهد، حتماً باید حدود موضوع را رعایت کند و به جز معاد از چیز دیگری سخن نگوید. او می‌تواند درباره امکان معاد، اثبات معاد، توصیف معاد و یا دیگر جنبه‌های آن سخن بگوید، اما نمی‌تواند در این کنفرانس از دیگر مسائل اعتقادی مانند توحید و نبوت و یا مسائل رفتاری و اخلاقی سخن به میان آورد؛ زیرا اینها از چارچوب موضوع او خارج است و در نظام علمی بیان نمی‌گنجد. اما اگر کسی بخواهد درباره معاد منبر برود و سخنرانی هدایتی داشته باشد، ابتدا می‌اندیشد که نیاز مخاطب او در خصوص مسأله معاد چیست؟ بر فرض اینکه باور مخاطب او نسبت به معاد ضعیف شده باشد، او درصدد تقویت باور او بر خواهد آمد و برای این کار ناگزیر از ریشه‌یابی ضعف باور مخاطب به معاد است. ممکن است عوامل مختلف اعتقادی، رفتاری یا اخلاقی باعث ضعف باور به معاد شده باشند، در این صورت، متکلم حکیم به جهت تضعیف و از بین بردن ریشه‌های سُستی اعتقاد به معاد، درباره آنها هم سخن خواهد گفت، اما نه به طور مطلق، بلکه با رویکرد تقویت باور به معاد. در نتیجه، در سخنرانی هدایتی مربوط به معاد، ممکن است از توحید، نبوت یا مسائل اخلاقی و رفتاری هم سخن به میان آید، در عین اینکه همه این مطالب به ظاهر متنوع با یک «غرض» و آن هم «تقویت باور مخاطب به معاد» گرد هم آمده است و در عین تنوع، سخن را دچار بی‌نظمی نکرده است.

هرچند این نظم متعاهد، علمی نیست، اما نظم حکیمانه هدایتی است. بنابراین، در نظم علمی، اقتضائات موضوعی خاص ملاک قرار می‌گیرد، اما در نظم هدایتی نیازهای مخاطب در مورد غرضی خاص معیار است و نظم سوره‌ها هدایتی است. خداوند اعتقادات، اخلاقیات و مسائل فقهی را به لحاظ تأثیرگذاری هدایتی بر مخاطب خود، به صورت آمیخته مطرح می‌کند و برای هر یک از این موارد، بخش یا فصل جداگانه‌ای اختصاص نداده است. گرچه با نگاه اصل و فرع به موضوعات هر سوره از قرآن کریم، می‌توان طیف موضوعات آن را به دست آورد.

همین موضوع را می‌توان به شکل دقیق‌تر در سوره قیامت ملاحظه کرد. مخاطب سوره قیامت، انسانی است که به دلیل علاقه به نتیجه‌های زودرس دنیوی و ترک افق‌های دور، گرفتار گرایش به دنیا شده است و می‌خواهد در رسیدن به نتایج زودگذر مورد نظر خویش، آزاد باشد و پرده‌های بندگی را بردرد. به همین دلیل، قیامت را انکار می‌کند و قصد دارد با پرسش از زمان فرا رسیدن آن، آن را بعید و

غیرممکن جلوه بدهد. چنین شخصی برای توجیه هوای نفس خود، سؤال خویش را به عنوان شبهه‌ای علمی مطرح می‌کند و مدعی است که خداوند نسبت به برپایی معاد قدرت ندارد. وی از این شبهه استفاده تبلیغاتی کرده و برای بسیاری از افراد جامعه، تردید ایجاد کرده است. این سوره نمونه بارز یک متن مخاطب‌محور است که به جای پرداختن به شبهه طرح‌شده، به پاسخ اجمالی به آن اکتفا کرده و به ریشه‌یابی این ادعا - یعنی اراده فجور و نداشتن مانع برای گناه - می‌پردازد.

از آنجا که این ریشه‌یابی پاسخی دندان‌شکن به شبهه‌افکنان محسوب می‌شود، پیامبر(ص) برای ابلاغ آن در جامعه و نیز برای روشن‌گری اذهان عمومی تعجیل می‌کند. خداوند به پیامبر(ص) دستور می‌دهد که برای بیان مطالب گفته‌شده عجله نکند و از قرائت خدا - که همان سخنرانی هدایتی او می‌باشد - تبعیت کند. برنامه هدایتی خداوند افشای ریشه مهم‌تر این ادعا یعنی حُبّ عاجله - گرایش به نتیجه‌های زودرس - و ترک منافع بلندمدت، اعم از دنیوی و اخروی است.

آیات اندازنده از دوزخ که نتیجه تکذیب و رویگردانی او از دعوت پیامبر(ص) به معاد است، در صدد بیان شایستگی چنین فردی به عذاب است. این رویکرد در بیان عذاب، بهترین راهکار هدایت این‌گونه افراد است؛ زیرا پاسخ علمی و بیان برهان‌های امکان و ضرورت برپایی معاد برای چنین کسی که شبهه علمی ندارد، نه تنها بی‌فایده است و مشکل را حل نمی‌کند، بلکه در حقیقت بازی در زمین دشمن است و آسیب‌هایی از جمله امکان به راه انداختن بحث‌ها و سؤال‌های بی‌فایده و جنجالی دارد. لذا افشاگری و انداز پاسخ مناسب به این افراد است. البته خداوند در پایان سوره با دادن پاسخ اجمالی، ولی کامل، اجازه ماندن شبهه در فضای جامعه را نمی‌دهد؛ بدین معنا که وجود معاد اقتضای حکمت خداوند است و پروردگاری که نخستین بار انسان را از هیچ آفریده، آفرینش مجدد او در قیامت برایش ممکن خواهد بود.

اگر به ویژگی هدایتی و مخاطب‌محور بودن بیان الهی و متن سوره‌ها توجه مناسبی نشود، هر مخاطبی ممکن است در مواجهه ابتدایی، این برداشت نادرست را داشته باشد که آیات قرآن آشکارا دچار تشویش است (ر.ک؛ حجتی، ۱۳۸۴: ۹)

نتیجه‌گیری

از دیدگاه قرآن کریم، «سوره» دارای ویژگی‌هایی متفاوت و متمایز از یک یا چند آیه خارج از سوره است؛ زیرا خداوند به یک یا چند آیه مستقل از سوره تحدی نکرده است. همچنین چنین آیه‌ها هر سوره به گونه‌ای است که هرگز نمی‌توان آن را از جایگاه خاص آن برداشت و در جای دیگری قرار داد. منشأ این امر، برخوردار بودن سوره از هدفی است که همچون حلقه‌ای است که تمام اجزا را به همدیگر اتصال می‌بخشد. از طرف دیگر، هدفمند بودن سوره موجب می‌شود که چنین موضوعات در سوره با روش متداول علمی متفاوت باشد که از این نوع چنین با عنوان «نظم هدایتی» یاد می‌شود. بنابراین،

تعریف سوره بر اساس ویژگی‌های آن، عبارت است از: «هریک از فصول صد و چهارده‌گانه قرآن کریم که رسمی‌ترین واحد مورد قبول قرآن و مصداق کامل کلام اعجاز‌آور الهی و به مثابه یک سخنرانی تربیتی و هدایتی است که آیاتش در راستای رسیدن به غرض خاص آن چینش یافته‌اند».

منابع و مأخذ

- ایازی، سید محمدعلی. (۱۳۸۰). *چهره پیوسته قرآن*. چاپ اول. تهران: نشر هستی‌نما.
- بازرگان، عبدالعلی. (۱۳۷۵). *نظم قرآن*. چاپ دوم. تهران: انتشارات قلم.
- تهانوی، محمدعلی، (۱۹۹۶م.). *کشف اصطلاحات الفنون و العلوم*. تحقیق: علی دحروج. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- حجتی، سید محمدباقر و کرم سیاوشی. (۱۳۸۴). «وحدت موضوعی از نگاه سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن». *پژوهش دینی*. شماره ۹. صص ۹-۴۰.
- خامه‌گر، محمد. (۱۳۸۶). *ساختار هندسی سوره‌های قرآن*. چاپ دوم. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- خرقانی، محمدحسن. (۱۳۸۰). *هماهنگی و تناسب در ساختار قرآن کریم*. چاپ اول. تهران: نشر قلمرو.
- رامیار، محمود. (۱۳۶۲). *تاریخ قرآن*. چاپ دوم. تهران: چاپخانه سپهر.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله. (۱۴۰۸ق.). *البرهان فی علوم القرآن*. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق.). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. چاپ سوم. بیروت: دار الکتب العربی.
- شاذلی، سید بن قطب. (۱۴۱۲ق.). *فی ظلال القرآن*. چاپ هفدهم. بیروت: دارالشروق.
- شحاته، عبدالله محمود. (۱۳۶۹). *درآمدی به تحقیق در اهداف و مقاصد سوره‌های قرآن کریم*. ترجمه محمدباقر حجتی. چاپ اول. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صبحی، صالح. (۱۳۷۹). *مباحثی در علوم قرآن*. ترجمه محمدعلی لسانی فشارکی. چاپ اول. تهران: نشر احسان.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فقهی‌زاده، عبدالهادی. (۱۳۷۴). *پژوهشی در نظم قرآن*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- گلجانی امیرخیز، ایرج. (۱۳۸۷). «چشم‌اندازی بر سبک بیانی قرآن». *قرآن در آینه پژوهش* (مقالات علمی پژوهشی فارغ‌التحصیلان دکتری تخصصی، دفتر سوم). چاپ سوم. تهران: نشر هستی‌نما.
- معرفت، محمدهادی. (۱۴۱۲ق.). *التمهید فی علوم القرآن*. چاپ اول. قم: مؤسسه نشر اسلامی.

_____ . (۱۳۷۳). **تناسب آیات**. ترجمه عزت‌الله مولایی‌نیا. چاپ اول. قم: مرکز نشر بنیاد معارف اسلامی.

نفیسی، شادی و مهدیه دهقانی فئاتگستانی. «مکی و مدنی از مفهوم تا اصطلاح». **مطالعات اسلامی**. سال ۴۳. شماره ۸۶/۳. پاییز و زمستان ۱۳۹۰. صص ۱۶۵-۲۰۴.